



رسانه و گفت و گوی آب

انوش نوری اسفندیاری

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	۲
۱-مقدمه:	۴
۲-آب و جامعه	۴
۳-بحران آب چیست؟	۸
۴-آب به مثابه مسئله اجتماعی	۱۲
۴-۱-چرا آب مسئله اجتماعی نیست؟	۱۳
۴-۲-چرا آب باید مسئله اجتماعی شود؟	۱۴
۴-۳-منظور از اجتماعی شدن آب چیست؟	۱۵
۵-رسانه‌ها و گفت و گوی اجتماعی آب	۱۶
۶-تغییر اجتماعی به سمت مسئله شدن آب	۱۷
۷-جمع بندی و نتیجه گیری	۱۹

سخن آغازین

امروزه در بسیار از محافل علمی، تخصصی و رسمی صحبت از ضرورت دغدغه‌مند کردن جامعه در خصوص مسئله آب می‌شود و شاید اصلی‌ترین وظیفه در این عرصه را متوجه رسانه‌ها می‌دانند. اما این سوال مطرح است که به راستی مسئله آب در ایران دارای چه ابعادی بوده و رسانه‌ها چه نقشی را باید در عرصه مدیریت آب با توجه به شرایط بحرانی امروز بازی کنند. چه موضوعات و تهدیدهایی می‌تواند رسانه‌ها را از انجام نقش کلیدی خود در مسیر اصلاح و بهبود شرایط و حل بحران بازدارد. در خصوص شناسایی موضوعات و چارچوب مفهومی فضای کنشگری رسانه‌ها در مدیریت آب جای خلاء مطالعه، تحقیق، نشست هم‌اندیشی و گفت و گو آشکار است. از جمله این برگزاری نشست‌های تخصصی و ایجاد گفت‌وگو بین متخصصین ارتباطات و رسانه و فعالان حوزه آب و همکاری‌های بین‌رشته‌ای می‌تواند کمک شایانی کند.

آنچه در این نوشتار آمده است، صحبت‌های مهندس انوش نوری اسفندیاری، عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران، در نشست تخصصی رسانه و بحران آب می‌باشد. این نشست، در روز دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴ الی ۱۶ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با حضور افراد زیر برگزار شد.

۱. **مهندس محمد تقی توکلی**، نماینده مردم الیگودرز در مجلس و عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی
۲. **دکتر هدایت الله فهمی**، معاون دفتر برنامه ریزی کلان آب و آبفای وزارت نیرو
۳. **مهندس انوش نوری اسفندیاری**، عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر منابع آب ایران
۴. **عبدالله اسکویی**، مدیر کل دفتر روابط عمومی و امور بین الملل آبفای وزارت نیرو
۵. **علی حاجی محمدی**، مدیر گروه مطالعات ارتباطی و رسانه‌های جدید پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

محورهای این نشست تخصصی عبارت بودند از:

- ✓ بحران آب در ایران و عوامل آن
- ✓ اقدامات انجام شده از سوی نهادهای مربوطه به منظور استفاده بهینه از منابع آبی
- ✓ نقش فرهنگ در رفع بحران آب در ایران
- ✓ نقش رسانه و سایر نهادهای فرهنگی در رفع بحران آب در ایران

در این نشست تخصصی ضمن تشریح بحران آب در کشور و عوامل دخیل در آن، اقدامات انجام شده از سوی نهادهای مربوطه به منظور استفاده بهینه از منابع آبی و نقش رسانه در کنار نهادهای دیگر در فرهنگ سازی به منظور گذر از بحران و مدیریت آن توضیح داده شد. در انتها پیشنهادهایی درباره نحوه نقش آفرینی موثرتر رسانه‌ها در این بهبود مدیریت آب ارائه شد. عکس‌هایی از نشست مزبور در ادامه آورده شده است.



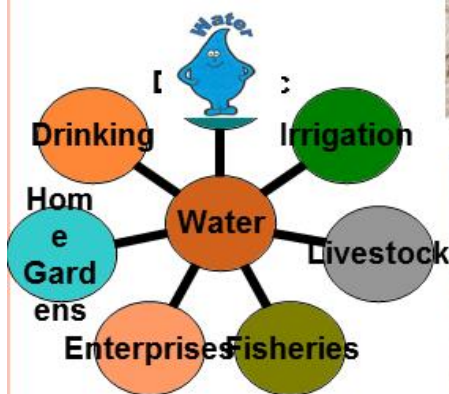
۱- مقدمه:

در این نوشتار تلاش می‌شود دیدگاه سازمان مردم‌نهادی با عنوان اندیشکده تدبیر آب ایران در مورد ارتباط رسانه و بحران آب مطرح شود. دیدگاهی که جنبه فرهنگی و اجتماعی دارد. در ابتدا نقش آب در جامعه و بحران آب و دلایل آن تشریح می‌شود. در ادامه بحث اجتماعی شدن مسئله آب و، سوم رسانه‌ها و ایجاد گفتگو و عزم ملی و در انتها نتیجه‌گیری کوچکی بر اساس این سه مبحث ارائه خواهد شد.

۲- آب و جامعه

در کلی‌ترین دسته‌بندی‌ها نقش آب در جامعه را در سه دسته انواع بهره‌برداری‌ها، انواع مخاطرات و انواع خدمات زیست‌محیطی تشریح کرد. زیرساخت‌ها برای تسهیل در انواع بهره‌برداری‌ها، مدیریت مخاطرات و استفاده از

خدمات زیست‌محیطی (خدمات آب) ایجاد می‌شود. در شکل ۱ انواع بهره‌برداری‌ها از آب نشان داده شده است که شامل آب شرب، آبیاری، آب دادن باغچه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و شیلات و پرورش دام است. این‌ها نمونه‌هایی از انواع بهره‌برداری از آب است. در کنار نشان دادن انواع بهره‌برداری‌ها، تصویری از سیلاب شهری چند سال پیش تهران آورده شده که آشکار می‌کند به چه شکلی در شهر ایجاد مشکل کرده که ما به عنوان یک نمونه از خطرات مرتبط با آب آن را در کنار بهره‌برداری آب، در نظر می‌گیریم. در قسمت پایین شکل یک هم، یک بدنه آبی



شکل ۱: انواع بهره‌برداری‌ها از آب

آورده شده است که رودی به دریا می پیوندد و یک محیط غنی زیست محیطی را شکل داده که جنبه های خدمات زیست محیطی آب را در نظر می گیرد.

با این مختصر آشکار می شود که تصویری که ما از آب می دانیم باید عوض بشود و سعی شود که جنبه های متفاوت آب در نظر گرفته شود. آب واقعاً ماده شگفت انگیزی است که هر طبقه بندی که بشر برای آن کرده نارسا بوده و هر لباسی که ذهن بشر برای آن دوخته کوتاه بوده است.

آب در سه حالت در طبیعت وجود دارد که دانشمندان فضایی دیدن این سه حالت را در کرات دیگر نشانه حیات می دانند و این شرایط برای حیات بسیار تعیین کننده است. اقیانوس ها بخش اعظم ذخایر آبی را تشکیل می دهند. با تبخیر آب از آن ها، یک چرخه ای شکل می گیرد که به آن چرخه آب می گوئیم. این چرخه آب در کل سطح زمین حرکت می کند و در جریان حرکت، بخار آب متراکم می شود، بصورت ابر می شود، بارش می کند و باران و سایر شکل های بارشی در سطح زمین حرکت می کنند و دوباره به اقیانوس می پیوندند. به همین دلیل به آن چرخه می گویند. چون از یک جا شروع می شود و دوباره به آن بر می گردد. ولی این چرخه یک حجم بسیار کمی از کل ذخایر آب کره زمین را تشکیل می دهد. انرژی لازم را از تابش آفتاب می گیرد و به اقتصادی ترین شکل آب را در دسترس جانداران و موجودات سطح کره زمین قرار می دهد. مبنای آب تجدیدپذیر، همین چرخه آب است که نسبت به کل ذخیره آب سهم خیلی کم دارد ولی تحرک بسیار زیادی دارد. بنابراین چرخه آب در طبیعت با توده های آب و هوایی، کوه ها، دشت ها و ذخایر آبی ارتباط گسترده ای دارد.

جامعه انسانی با چرخه آب و ذخیره آبی، پیوندها و ارتباطات متفاوتی دارد که در ادامه به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

- وقتی که ما درباره آب رکنی یا رکن آباد صحبت می شود که حافظ به آن سخت دل بسته بود، (بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت؛ کنار آب رکن آباد و گل گشت مصلی را) داریم به جنبه فرهنگی آب در نظر گرفته می شود. آبی که الان هم به سمت شیراز می آید و از پایین مقبره خواجوی کرمانی می گذرد و از کنار دروازه قرآن وارد شهر می شود.

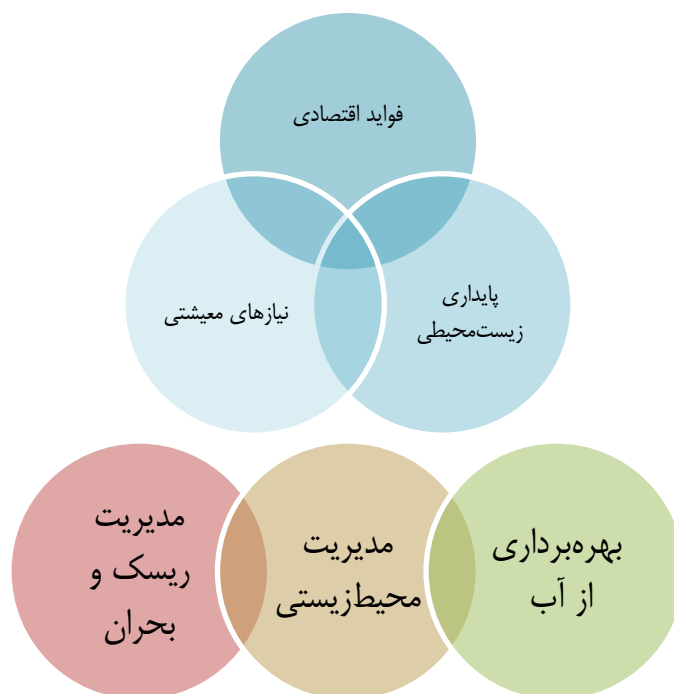
- وقتی راجع به عروس قنات و عروسی قنات صحبت می‌شود به جنبه فولکور و فرهنگ عامه آب اشاره دارد.
- وقتی درباره عبور یک تا دو متر مکعب در ثانیه آب از شهر اصفهان صحبت کنیم، این عبور دلبستگی زیادی را هم برای اصفهانی‌ها و هم برای غیراصفهانی‌ها برای جاذبه شهر اصفهان دارد. آیا فقط راجع به تاثیر آن در اقتصاد گردشگری صحبت کنیم یا چیزی فراتر از آن را در نظر بگیریم؟ این را باید اصفهانی‌ها بگویند.
- وقتی از آبی که برای آبیاری یک باغچه کوچک در کنار منزل مسکونی یک تھی دست در یک مرکز جمعیتی صحبت می‌کنیم که از این آب هم برای قوت روزانه خود و هم برای تولید محصولی که در بازار می‌فروشد استفاده می‌کند، از آب برای معیشت صحبت می‌کنیم.
- وقتی که از دریاچه‌ای در غرب تهران صحبت می‌شود که چشم‌انداز آن باعث شده که برج‌های کنار آن ارزش بالاتری پیدا کنند، از تاثیر آب بر ارزش افزوده زمین شهری صحبت می‌کنیم.
- در کنار این، آب خطر آفرین هم هست. حوادث نادری یا کم‌تواتری ممکن است اتفاق بیفتد مانند ورود سیلاب شهری به خط ۴ مترو تهران که مشکل بزرگ چند روزه‌ای را به وجود آورد. یا خشکسالی، یا آلودگی و غیره.

بنابراین آب جلوه‌های بسیار متفاوتی دارد و اصولاً حیف است که با این جلوه‌های متفاوت ما فقط تمرکز کنیم به دو الی سه تصویر که فقط در رسانه‌ها تکرار می‌شود. لذا چنانچه گفته شد، پیوندهایی که جامعه انسانی با آب برقرار می‌کند معمولاً در کلی‌ترین شکلش به ۳ قسمت تقسیم می‌شود. (۱) انواع بهره‌برداری‌ها (که این انواع بهره‌برداری‌ها مصرفی و غیرمصرفی دارد) (۲) انواع مخاطرات و (۳) خدمات زیست‌محیطی.

بشر برای استفاده و بهره‌برداری بهتر، زیرساختهایی را برای تسهیل در انواع بهره‌برداری‌ها برای مدیریت مخاطرات و استفاده از خدمات زیست‌محیطی به وجود می‌آورد که معمولاً به طور متوسط بین ۱ تا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی کشورها صرف این زیرساخت‌ها می‌شود. هزینه‌های بسیار زیادی این زیرساختها در کنار دخالت آنها در سیستم طبیعی باعث شده آنها را به عنوان آبر زیرساخت بشناسند. یعنی طرح‌ها و پروژه‌های بسیار بزرگی که خیلی دخل و تصرف در طبیعت ایجاد می‌کند و بعضاً مورد نارضایتی‌های زیادی هم هست. اما چه طور این پیوندهایی که

بین جامعه و آب احساس می‌کنیم موجب می‌شود که مدیریت آب با سیاستهای بخش‌های مختلف ارتباط پیدا کند. برای مثال سیاستهای راجع به سلامت و بهداشت به آب ربط دارد و سیاست راجع به امنیت غذایی و کشاورزی به آب ربط دارد. بین آب و تولید انرژی و به طور کلی بخش انرژی داد و ستدهای زیادی وجود دارد. فقرزدایی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی و هر بحثی را که در سطح کلان مملکتی در نظر بگیرید با آب پیوند برقرار می‌کند.

یک لحظه فکر کنید چه عاملی باعث می‌شود که این پیوندها در ارتباط بین آب و جامعه وجود دارد که واقعاً هزار رشته آشکار و پنهان دارد؟ یک لحظه با خود درنگ کنید و به این موضوع فکر کنید! به طور معمول در ارتباط با آب سه هدف را در نظر می‌گیرند: (۱) فواید اقتصادی (آب در اقتصاد نقش بسیار مهمی دارد ۲) پایداری محیط زیستی (۳) نیازهای معیشتی (شکل ۲). معمولاً این سه هدف عمده را در ارتباط با آب در نظر می‌گیرند و بر اساس همین اهداف زیرساختهایی در جامعه بشری شکل می‌گیرد و به آب ربط دارد و ناظر به مدیریت محیط‌زیستی، مدیریت بهره‌برداری، و مدیریت ریسک و بحران هست. البته موارد دیگری هم به غیر از این سه هدف است، به طور مثال در مورد آب مثالهای فرهنگی پیش گفته شد.



شکل ۲: نقش آب در جامعه و اهداف مرتبط با آب

۳- بحران آب چیست؟

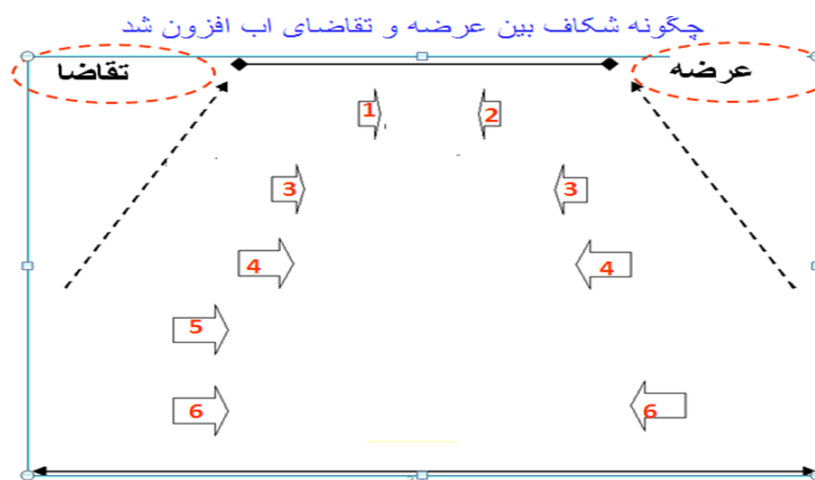
با وجود نقش آب در جامعه این سوال مطرح می‌شود که واقعاً بحران آب چیست و دارای چه ابعادی است؟ آیا در ایران بحران آب وجود دارد؟ چرا به وجود آمد؟ بحران آب چگونه برطرف می‌شود؟ آیا بحران آب یک مسئله اجتماعی شده است؟ آیا فرایند اجتماعی شدن خاتمه یافته یا به کمال رسیده است؟

حدود یکسال است که مسئولان مملکتی از کلمه بحران استفاده می‌کنند. این در واقع نشان‌دهنده این است که این موضوع، این تشخیص و این ارزیابی‌ها در سطح وسیعی پذیرفته شده است. در اینجا گفته‌ای از وزیر نیرو در اسفند ماه سال گذشته آورده‌ایم که ایشان اشاره داشت: در حال حاضر از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدشونده سالانه ۹۶ میلیارد مترمکعب آب استفاده می‌شود که ۸۰٪ منابع تجدید شونده کشور است و کشور اکنون از مرحله بحرانی عبور کرده است. یعنی الان به مرحله فوق بحرانی رسیده است. به دلیل اینکه از ۴۰٪ به بالا براساس شاخص سازمان ملل، بحرانی حساب می‌شود. بنابراین ایشان این شاخص را بصورت ضمنی مطرح کرده و و این مسئله را نیز اخیراً وزیر کشور در ارزیابی عملکرد یکساله دولت گفته است که مسئله آب در حال تبدیل شدن به بحران است و مردم باید بدانند بدون مدیریت مصرف آب نمی‌توانیم به حل این بحران امیدواریم باشیم. باید ظرف مدت ۴ سال بحث آب را مدیریت و کنترل کنیم و این نیاز به عزم ملی دارد. و اگر به این بحران توجه نکنیم دچار مشکلات زیادی می‌شویم.

به هر حال، تجلی بحران آب در صحبت‌های مسئولین نشان دهنده این است که دارند انتظاراتی را شکل می‌دهند که در زمینه آب اقدامات خاصی اتفاق بیفتد. ولی واقعا این بحران در این چند سال گذشته اتفاق افتاده یا اینکه مسئولین در این چند سال گذشته تشخیص داده‌اند؟ نشانه‌های بحران در کلام آقای دکتر کلانتری مسئول مدیریت راهگشایی برای دریاچه ارومیه، بصورت خلاصه این بوده است: «مصرف آب در کشور بیشتر از توان طبیعت است» یعنی همین موضوعی که ما بیش از ۴۰٪ از منابع آب تجدید شونده را مصرف می‌کنیم. ظرفیت‌های طبیعی ما در چرخه آب در حال از بین رفتن است. به همین معنا که ما از ذخایر استراتژیک مان استفاده می‌کنیم و با نشست زمین و فشرده شدن بافت اسفنجی خاک به اصطلاح توان ذخیره آب منابع آب زیرزمینی کشور از بین می‌رود یا حتی روی منابع آب سطحی کشور تأثیر می‌گذارد. یعنی منظور رواناب‌های سطحی است. منابع آب در حال آلوده شدن است. مناقشات

و شکاف‌های اجتماعی مربوط به آب در حال افزایش است. این از نظر اینکه این نشانه‌ها را ما کاملاً داریم. اما کنجکاویم که بدانیم دلایل استفاده بیش از حد از منابع ناپایدار آب چه بوده است؟ چرا برای بحران آب راه‌حل کوتاه مدت وجود ندارد؟

ما همیشه دنبال راه‌حل‌های کوتاه‌مدت هستیم ولی باید بدانیم که هیچ راه‌حل کوتاه‌مدتی برای بحران آب وجود ندارد. باید به فکر راه‌حل‌های میان مدت و درازمدت باشیم. گروهی بحران آب را در تعریف گفته‌اند که شکاف بین عرضه و تقاضا به حدی زیاد می‌شود که تأثیرگذار است و شروع می‌کند به پیامدهای گسترده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. ما در کشور این فاصله بین عرضه و تقاضا را جدی نگرفتیم و در طی سالیان این شکاف بیشتر و بیشتر شده است. منظور از تقاضا دو بخش است. (۱) تقاضایی که تأمین شده است و (۲) تقاضایی که تأمین نشده است. آن تقاضا تأمین نشده هم اثرات و فشار مربوط به خود را دارد (شکل ۳). ما دو برابر اراضی که زیرکشت می‌بریم می‌توانیم زمین کشاورزی داشته باشیم و واقعا می‌خواهیم همه این زمین‌ها را زیرکشت ببریم و این می‌شود تقاضا. این تقاضا وقتی که بیش از حد فشار می‌آورد و ما توان عرضه را نداشته باشیم، از یک طرف عرضه آب ما گرانتر می‌شود، هر سدی که می‌زنیم قیمت تمام شده‌اش ۲۰ برابر سدی است که ۲۰ سال پیش زده‌ایم. آنهایی که ۲۰ سال پیش زده‌ایم گرانتر هستند نسبت به ۱۰ سال پیش از خود. یعنی هرچه به جلو می‌رویم هزینه تأمین آب جدید بسیار زیاد می‌شود. آلودگی هم داریم که آبهای قابل استفاده را کمتر می‌کند. بنابراین قدم به قدم و پله پله رسیدیم به این مشکلی که امروز هستیم.



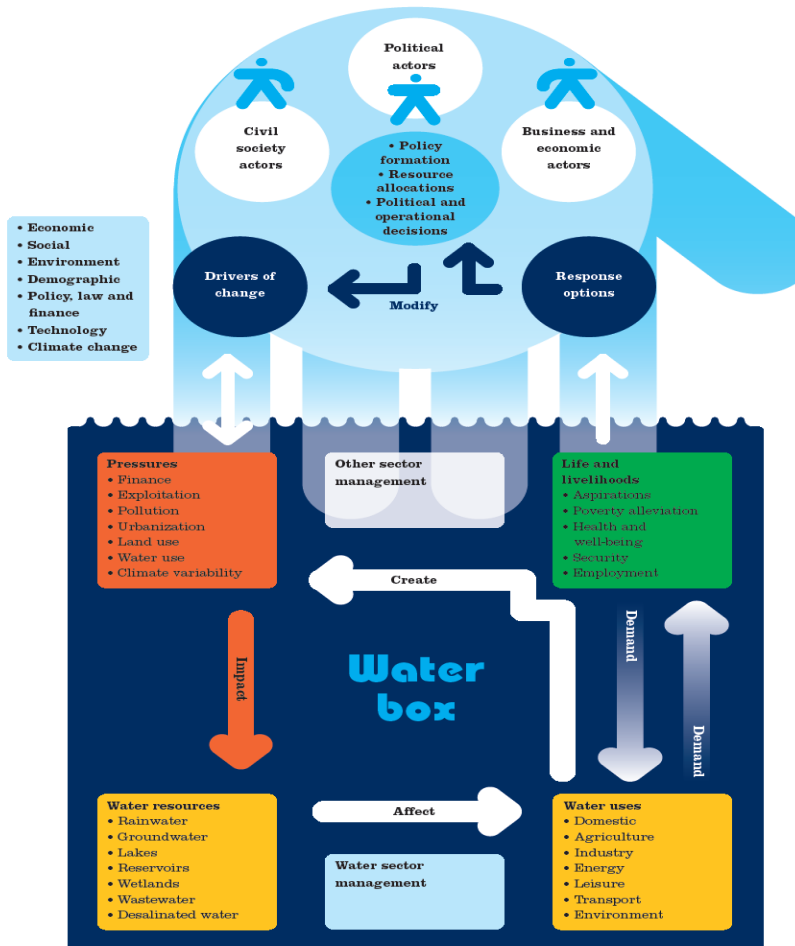
شکل ۳: شکاف بین عرضه و تقاضا در آب

ما به تدریج به شرایط بحرانی امروز رسیدیم و لذا نمی‌توانیم یک شبه به وضعیت مناسب قبلی برگردیم و به همین خاطر است که آب و بحران آب در کوتاه‌مدت راه‌حلی ندارد. اما چرا این بحران به وجود آمده است؟ در اینجا تاکید بر عامل انسانی بحران آب است. عوامل موثر بر شکل‌گیری وضعیت بحرانی موجود در حوزه آب را می‌توان در سه حوزه زیر قرار داد:

تاثیرگذاری کنشگران اصلی: سازمان ملل برای بررسی وضعیت مدیریت آب چارچوبی را ارائه کرده است که در آن عوامل توسعه در سطح کلان را تحت عنوان محرک و پیشران‌های توسعه و کنشگرانی که روی این پیشرانها تأثیر می‌گذارند، در بیرون از بخش آب که همه آنها بر بخش آب اثرگذار هستند، قرار داده است (شکل ۴). فعالین اجتماعی، سیاستمداران و بخش خصوصی را به عنوان سه عامل مهم که بر روی پیشرانها اثر می‌گذارند و آنها هستند که سرنوشت مدیریت آب را از بیرون بخش آب تحت تأثیر قرار می‌دهند و تعیین می‌کنند، نشان داده است. در ادامه بخش‌های دیگر تشکیل دهنده فضای بیرونی حوزه آب به ترتیب توضیح داده می‌شود.

- **تاثیرگذاری سیاست‌های کلان:** بخشی از محیط پیرامونی حوزه آب، سیاست‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین کنشگران، سیاستمداران هستند که در حوزه سیاستی خود در مورد امنیت غذایی، سلامت، توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و ... تصمیمات آنها بر بخش آب اثرگذار است. وقتی طرحی پیش آمد که به منظور ایجاد اشتغال از طریق توسعه سطح زیر کشت دو میلیون هکتار اراضی تحت کشت آبی را توسعه بدهیم، طبیعتاً تأثیر شگرفی بر روی وضعیت مدیریت منابع آب داشت.
- **تاثیرگذاری پیشرانها:** کنشگران از طریق سیاست‌ها و جهت‌گیری‌هایی که اتخاذ می‌کنند بر محرک‌ها یا پیشرانها تأثیر می‌گذارند. نمونه پیشرانها عبارتند از رشد جمعیت، تغییر اقلیم، سبک زندگی، الگوهای تولید و مصرف و امکانات مالی که ظرفیت‌های بیرونی بخش آب هستند. نکته قابل تامل این است که این کنشگران و محرک‌ها یا پیشرانها در چندین سال گذشته در کشور ما چگونه عمل کرده‌اند.

DECISION-MAKING AFFECTING WATER



شکل ۴: چارچوب مفهومی کلان بررسی مدیریت آب

- **اهمیت شرایط ذهنی و ادراکی:** شرایط ذهنی و ادراکی مردم تاثیر زیادی در ایجاد وضعیت بحران آب دارد. علاوه بر شرایط عینی شرایط ادراکی و ذهنی از نظر تغییر نگرشها و رویکردها در سطح بالای مدیریت جامعه و سطح مختلف گروداران آب در سطح ملی و محلی در اتخاذ سیاستها تاثیر دارد. شرایط ادراکی مدیران از نظر نحوه تحلیل مسائل تاثیر زیادی بر ایجاد شرایط کنونی دارد. آیا تحلیل آنها نقطه‌ای است یا این که واقعاً علت و معلولها را درست ارزیابی می‌کنند؟ اینها از عواملی است که در شکل‌دهی وضعیت موجود ما اثر داشته است. هرچند که در اغلب کشورها شواهد مختلف

دال بر شروع این تغییر از دو دهه تاکنون است، اما در همه کشورها هنوز تقاضا و مطالبه بهبود حکمرانی آب بصورت یک نیاز عمومی و عزم ملی بروز و ظهور پیدا نکرده است. نمونه‌های از مصادیق پیشرانهای توسعه که باعث ایجاد بحران آب موجود شده است عبارتند از:

- تغییرات بنیادی اقتصادی که از سال ۱۳۴۰ به بعد رقم خورد و ما از آن به بعد پول اضافی داشتیم که طرح‌های عمرانی اجرا کنیم.
- جمعیت کشور در طول کمتر از یک قرن به ۸ برابر رسیده و در نیم قرن اخیر ۳/۵ برابر شده است.
- سهم جمعیت شهری از کل جمعیت در طول ۶۰ سال، یعنی از سال ۱۳۳۵ از ۳۲ درصد به ۷۱ درصد افزایش یافته است. نرخ رشد جمعیت کشورمان الان زیر ۲ درصد است، ولی نرخ رشد جمعیت شهری در کشور بیش از ۱۳ درصد است.
- سطح کشت آبی بیش از سه برابر و حجم برداشت آب کشاورزی دو برابر شده است. سهم کشاورزی از برداشت آب در طول ۵۰ سال از ۹۹ درصد رسیده به ۹۲ درصد کاهش یافته است.
- سیاست کلانی از قدیم و از ابتدای برنامه‌ریزی کشور در کل نظام برنامه‌ریزی کشور وجود دارد که همان سیاست هنوز هم مثل خوره تاثیرگذار است و آن هم این است که محور توسعه و نوسازی بخش کشاورزی باید آب باشد. ایجاد کشت و صنعت و تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و شرکت‌های سهامی زراعی از ۱۳۷۰ سازمان‌دهی تولید کشاورزی را کنار گذاشتند. ایجاد این سازوکارها بدون نوسازی بخش کشاورزی و در نظام دهقانی کماکان همان طور ادامه دارد.

ع- آب به مثابه مسئله اجتماعی

حال این سوالات مطرح می‌شود که چرا آبی که این همه در جامعه نقش و در عینیت در همه جوامع (خشک و تر) اهمیت دارد، مسئله اجتماعی نیست؟ چرا آب باید مسئله اجتماعی بشود؟ و منظور از مسئله اجتماعی شدن چیست؟

منظور از مسئله اجتماعی شدن این است که در لیست موضوعاتی که فکر شما را در یک روز به عنوان مسئله مشغول می کند، آب هم بالاخره یک جایی داشته باشد. ارزیابی این است، آب چنین موقعیتی را ندارد. اما سوال اینجاست که چرا چنین موقعیتی را ندارد؟

۴-۱- چرا آب مسئله اجتماعی نیست؟

از سال ۲۰۰۰ میلادی، در سطح بین المللی ادبیات خوبی در این مورد شکل گرفته است. در کشور ما روی این موضوع کمتر کار شده است. به این دلیل که متأسفانه اندیشمندان جامعه‌شناسی به حوزه آب ورود نکردند که بطور مستقل روی این موضوع کار شده باشد. اما دلایلی که گزارش های جهانی برای علل اجتماعی نشدن مسئله آب بدان اشاره دارد عبارتند از:

(۱) **متمرکز و دولتی کردن فعالیت های آبی:** هنگامی که مردم متوجه شدند که مسائل آب مربوط به دولت است و دولت هم مطلقاً نمی گذارد دیگران دخالت بکنند، در عمل در نقش تماشاگر ظاهر شدند و انتظار انجام کار را فقط از جانب دولت دارند.

(۲) **استفاده از فناوری های جدید به قیمت بر کنار شدن فناوری های بومی و استفاده از دانش جدید با کنار گذاشتن دانش بومی:** در تجربه کشور خودمان اعتنایی به فناوری های بومی نشده و سعی نشده که دانش های بومی ارتقا داده شود و یک سازگاری بین آنها و فناوری های جدید برقرار شود. در نتیجه جامعۀ محلی در حالت انفعالی قرار گرفته است.

(۳) **نظام بهره برداری:** دلیل سوم نظام بهره برداری است که به صورت سنتی عمل می کرده و با ورود فناوری های جدید کارایی خود را از دست دادند و سلسله مراتب اداری و کارکنان دولت جایگزین آنها شدند. مثل شبکه های آبیاری مدرن که وقتی ایجاد شدند شبکه های سنتی برجیده شدند. اگر در قنات هم ما علی رغم اینکه نفس های آخر را می کشد شاهد بهره برداری از طریق نظام سنتی متعلق به آن می باشیم به دلیل آن است که فناوری های جدید در آن وارد نشده است و این امر سبب شده که آن نظام کمابیش کارایی خود را حفظ کنند.

۴) انرژی ارزان و یارانه‌ای: ما الان تقریباً قیمت برق کشاورزی مان یک بیستم قیمت واقعی است. و یارانه های غیرهدفمند آب که این عوامل موجب شدند که توهم فراوانی آب ایجاد شود.

۵) مشارکت بهره‌برداران: مسئله دیگر مسئله مشارکت بهره برداران از آب است که زمانی در امر بهره برداری فعال بودند، لکن با بروز تغییرات به یک عامل غیرفعال و نظاره کننده صرف تبدیل شدند.

به هر حال این بحث باز است و سؤال است که چرا آب مسئله اجتماعی نیست؟ حالا چرا باید آب مسئله اجتماعی بشود؟

۴-۲- چرا آب باید مسئله اجتماعی شود؟

آیا فقط به این دلیل که عده‌ای می‌گویند باید مردم مدیریت مصرف کنند، آب باید مسئله اجتماعی شود؟ این به نظر می‌رسد زاویه خیلی محدودی باشد. از منظرهای مختلف ضرورت طرح آب به مثابه یک مسئله اجتماعی قابل تامل است. دلیل مشارکت جامعه در امر مدیریت آب یک منشور چندوجهی است که بسیار عمیق و استراتژیک است و به امنیت ملی و منافع ملی ربط دارد و دولت اصلاً قادر نیست با این مشکلات دست و پنجه نرم کند و حتماً باید مشارکت را جدی بگیرد. در پاسخ به سوال چرا آب باید مسئله اجتماعی شود یک نظر هم این است که ما به تمرکززدایی و واگذاری کارها به جوامع محلی و خود مردم احتیاج داریم.

نظر دیگر می‌گوید چون عزم ملی برای بازساخت حکمرانی آب احتیاج است. دیدگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید کشورهای دیگر برای حل معضلات خود از سرمایه اجتماعی و گفتگو و فرهنگ بهره می‌برند و ما هم باید همین کار را بکنیم. عده‌ای معتقدند که اگر به مسئله اجتماعی شدن آب بی‌توجه بمانیم، تبدیل به آسیب اجتماعی می‌شود و این بسیار عواقب سنگینی دارد و وقتی بصورت آسیب اجتماعی در بیاید راه‌حل‌های ضربتی باید اجرا بشود که این راه‌حل‌ها جایی برای نهادهای مدنی، علمی و تخصصی نمی‌گذارد.

رسانه‌ها باید به دیدگاه آخر خیلی توجه کنند که اگر بحران آب به حدی برسد که مسئله اجتماعی تبدیل به آسیب اجتماعی شود اصلاً فعالیت‌ها را نمی‌توانیم به اینصورت سازماندهی کنیم که مردم بتوانند در کنار دولت فعالیت خوبی داشته باشند.

۳-۴ - منظور از اجتماعی شدن آب چیست؟

در چه حالتی ما می‌گوییم کمبود و بحران آب (یا هر چیز دیگر مانند سرقت یا اعتیاد) مسئله اجتماعی است؟ آقای دانیلین لوزیک تعریف اجتماعی شدن و مسئله اجتماعی شدن ۴ شرط را قائل شده است.

(۱) اولین شرط این است که یک شرایط منفی حاکم باشد و ادراکات عمومی متوجه این اشتباه بشود و زحمتی برای مردم ایجاد بشود. مثلاً ما نشستی داشتیم در دانشکده علوم اجتماعی و یکی از اساتید مطرح می‌کرد که ما دائماً این خبر را می‌شنویم که آب تهران دچار مشکل است ولی هیچ نوع علائمی از این زحمت در آبرسانی شهر نمی‌بینیم. طبیعتاً این موضوع جدی گرفته نمی‌شود. ولی ما نمی‌توانیم این را تعمیم بدهیم. بخش مهمی از کشور وجود دارد که امسال بسیار در آبرسانی آنها مشکل وجود داشته است.

(۲) دومین شرط این است که پدیده جدی و شایع و گسترده باشد. یعنی مشکل فقط شامل حال یک گروه محدودی نباشد.

(۳) سومین عامل این است که یک تصویر و نگرش خوشبینانه‌ای به وجود بیاید که امکان تغییر را در نظر بگیرد. اگر راه‌حلی و یا امیدی به راه‌حل نباشد طبیعتاً فعالیت و مشارکت جدی و امیدوارانه‌ای شکل نمی‌گیرد که مقوله مورد نظر مسئله مشارکت‌کنندگان تامین شود.

(۴) آخرین موضوع این است که معتقد به تغییر باشیم و این تغییر منطقی هم باشد.

این چهار عامل را کنار هم بگذارید، ملاحظه می‌کنید که این ۴ عامل می‌تواند یک فرایند باشد. یعنی شروع فرایند درک از آب به عنوان مسئله اجتماعی از آنجایی شروع می‌شود که ما با زحمتی رو به رو می‌شویم و بعد پردازیم به اینکه چقدر آدم مثل ما هستند که با این مسئله روبرو هستند و بعد یک تصور خوش بینانه و بعد اینکه یک تغییر منطقی برای آن وجود داشته باشد.

۵- رسانه‌ها و گفت و گوی اجتماعی آب

موضوع قابل تامل در خصوص مسئله آب این است که بحران آب در ایران اجتماعی شده، اما نه این که آب مسئله اجتماعی شده باشد. ما در کارون متوجه می شویم که مسئله اول مردم کارون بحران آب و نگرانی راجع به آینده است. در چهارمحال و بختیاری کمیته خبرنگاران صیانت از آب تشکیل شده است. همایش‌های متعددی در شهر اصفهان برای بررسی علل بحران آب تشکیل شده است. این‌ها نمونه‌هایی هستند از اجتماعی شدن بحران آب. اما رسانه‌ها چگونه می توانند در این گفت و گوها اثرگذار باشند؟

به نظر می‌رسد رسانه‌ها می‌توانند در عرصه عمومی و گفت و گویی که بین مردم صورت می‌گیرد نقش خیلی مهمی داشته باشند و سعی کنند صداهایی که شنیده نمی‌شود را کاری کنند که شنیده شود و از این طریق مشارکت همگانی را ایجاد کنند. رسانه‌ها باید مشارکت مردم را تقویت کنند و تلاش کنند مردم از حالت نظاره‌گر بودن به مشارکت‌کننده تبدیل شوند.

خوشبختانه از دید مثبت، ما تجربه‌های موفقی از ورود رسانه‌ها در زمینه میراث فرهنگی و محیط‌زیست داریم و در مورد آب هم از این تجربه می‌شود استفاده کرد و این که سعی کنیم دیدگاه به هیچ ترتیبی به شکل حراست و نگهبانی و پلیس آب نباشد. بلکه اگر نگهبانی عمومی و حضور نیروهای داوطلب و NGOها و سازمان‌ها باشد، می‌تواند تاثیر بهتری در اصلاح حکمرانی آب کشور خواهد داشت.

فضای گفت و گو با فضای تبلیغاتی اشتباه نشود. به نظر می‌رسد که ما گفتگوی اجتماعی در مورد آب را نداریم و اولین کاری که رسانه‌ها می‌توانند انجام دهند این است که کمک کنند این گفت و گوی اجتماعی درباره آب شکل بگیرد. چرا تا به حال به دلیل این که فضا تبلیغاتی بوده این گفتگو شکل نگرفته است؟ بنابراین الان نباید به شکل تبلیغاتی اطلاع رسانی کنیم و از فضای گفت و گویی که می‌خواهیم ایجاد کنیم به عنوان فضای تبلیغات دولت یا دستگاه‌های رسمی استفاده کنیم. اگر این حالت اتفاق بیفتد ما قادر نخواهیم بود گفت و گویی را شکل بدهیم.

دومین نکته این است که **خلق مفهوم و ادراک مشترک در گفت و گو اهمیت دارد.** یعنی پیش نیاز گفتگو این است که طرفین گفت و گو در حین گفت و گو به خلق مفهوم مشترکی برسند. اگر کسانی بخواهند از پیش نظریه‌های

خودشان را بقبولانند، گفت‌وگو نمی‌تواند شکل بگیرد و اگر هم شکل بگیرد اهمیتی ندارد چون آن ادراک، ادراک مشترکی نبوده است.

اعتقاد به این که همه چیز را همگان می‌دانند، خیلی برای گفتگو مفید است تا اینکه ما بتوانیم جنبه‌های متفاوتی را در مورد یک موضوع مشترک به بحث بگذاریم و به نکات مثبتی برسیم که در حل مشکل کمک کند.

آدرس غلط ندهیم و دنبال مقصر نباشیم. این برای شروع گفتگو بسیار بسیار می‌تواند مهلک و زیان‌آور باشد. تا روند کار در حل این بحران این بود که مقصران مصرف بی‌رویه شناسایی شوند. اول مصرف زیاد بالاشهری‌های مطرح شد و مسئولین سعی کردند با تبلیغات و تهدیدهای گوناگون الگوی صحیح مصرف را به آن‌ها بیاموزند. بعد مقصران بعدی شدند کشاورزان، حالا نوبت به خود رسانه‌ها رسیده است. یعنی این که چرا تا به حال رسانه‌ها نتوانسته‌اند الگوی صحیح مصرف را به مردم و جامعه بیاموزند؟ گفت‌وگویی که بخواهد با دنبال مقصر گشتن شروع بشود به جایی نمی‌رسد و می‌بینیم که دوباره در محاوره‌ها به دنبال پیدا کردن مقصر هستیم. این برای شروع گفت‌وگو خوب نیست و جامعه را قطبی می‌کند.

پیش‌داوری‌های اولیه ممکن است صحیح نباشند، چرا ما سعی می‌کنیم این پیش‌داوری‌ها را تکرار کنیم؟ چون ما در مورد آب گفت‌وگو نکردیم، متخصصین امور فنی می‌گویند که بخش اجتماعی باید این موضوع را حل می‌کرد. متخصصین امور اجتماعی هم سعی دارند که بگویند بی‌توجهی مهندسين بوده که بحران آب را ایجاد کرده است، مثلاً سدسازان باید بیایند توبه کنند.

۶- تغییر اجتماعی به سمت مسئله شدن آب

به فرایند تغییر اجتماعی و این که ما مسئله اجتماعی کردن آب را باید بصورت یک فرایند بینیم اشاره شد. همیاری جهانی آب که یک نهاد بین‌المللی دانش‌بنیان در حوزه آب است، روی چند موضوع در شروع موفق تغییرات اجتماعی تاکید کرده است:

- پیام روشن و داشتن محور برای اتحاد عموم که برای ما لازم است ،
- داده‌های موثر و معتبر در مورد ضرورت تغییر که این‌ها به مردم داده شود ،

- امکان پذیر بودن و فایده تغییر که همان شرط سوم اجتماعی شدن مسئله آب است ،
- بازاریابی هوشمند ،
- مداومت و پیگیری.

براین اساس در واقع ۵ مرحله را برای پیشرفت در نظر گرفته است. به این مراحل دقت کنید. اینکه اشاره شد بحران آب راه حل کوتاه مدت ندارد در این جا آشکار می شود که ابتدا باید یک بستر سازی برای تغییر صورت گیرد و بصورت مستند در مورد تشخیص مسئله و راه حل های احتمالی گفت و گوی اجتماعی داشته باشیم. مرحله دوم سرمایه گذاری در مدیریت هدایت کننده برای تغییر است که پیش آمدن یک شرایط سیاسی یا وقوع بحران می تواند خیلی کمک کند که ضرورت تغییر حس شود. مرحله سوم ایجاد تقاضای رشد یابنده برای تغییر است که مهمترین اقدامی که در این مرحله باید اتفاق بیفتد. نزدیک کردن افکار عمومی برای تغییر است. اختلاف فکرها و برداشتها باید کمتر شود و به هم نزدیک شوند. در نهایت در مرحله چهارم به تهیه بسته تغییر پردازیم که صحبت از راه حل ها کنیم، تدوین سیاستهای جدید، توافق برای اصلاحات و مرحله پنجم مرحله اطمینان از اعمال و پیامدهاست که با پیگیری و نظارت افکار عمومی باید همراه باشد. ما خیلی عجله داریم و می خواهیم زود به مرحله چهارم برسیم و شروع کنیم به گفتگو درباره اینکه قانون آب را چگونه اصلاح کنیم. در صورتی که هنوز نمی دانیم مسئله چیست، دید اجتماعی و جمعی درباره آن نداریم و هنوز آب مسئله اجتماعی نشده است.

مراحل ایجاد تغییر
مرحله اول: بستر سازی برای تغییر—گردآوری شواهد و مستندات، گسترش همفکری درباره تشخیص مسئله و راه حل های احتمالی
مرحله دوم: سرمایه گذاری در محیط هدایت کننده برای تغییر (برای نمونه پیش آمدن شرایط سیاسی مناسب یا وقوع بحرانی که به عموم درباره ضرورت تغییر هشدار می دهد)
مرحله سوم: ایجاد تقاضای رشد یابنده برای ایجاد تغییر (نزدیک کردن افکار عمومی برای تغییر)
مرحله چهارم: مذاکره درباره بسته تغییر واقعی -- تدوین سیاست جدید، توافق روی اصلاحات (بر اساس اقدامات مرحله اول)
مرحله پنجم: اطمینان از اعمال و پیامد—پیگیری و نظارت

بسیار اهمیت دارد که در گفتگو راه‌حل‌های داوطلبانه به جای دستور باشد. روزنامه نگاران تلاش کنند که به عنوان یک کنشگر اجتماعی وارد عمل شود و شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی شکل گیرند که این سازوکار در اصلاح حکمرانی ما بسیار مهم است. سازوکار موجود ما فقط دستوری است و به همین خاطر ناکارآمد است. اگر راهکارهای داوطلبانه نباشد ما دچار مشکل می‌شویم و برای ایجاد راه‌حل‌های داوطلبانه نقش رسانه‌ها خیلی می‌تواند مهم باشد که حلقه‌های گفتگو شکل بگیرد. گویش‌های اجتماعی شکل بگیرد و از سنت‌ها و فرهنگ اسلامی خودمان استفاده کنیم و قداست ارزش آب را تبدیل به هنجار اجتماعی کنیم.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

فرایند اجتماعی شدن آب آغاز شده و بحران آب فرصتی مناسب برای این فرآیند فراهم کرده است. اما در ادامه این فرآیند ما باید گفت‌وگوی ملی داشته باشیم، شاید بهترین شکل جمع‌بندی امروز این است که مسئله اصلی فرهنگی ما درباره آب این است که چگونه درباره آب گفت‌وگو کنیم. رسانه‌ها ظرفیت بالایی برای ایجاد فضای گفتگوی صحیح در اختیار دارند. به شرط اینکه خبرنگاران با اطلاع رسانی صحیح، سریع و بصورت یک کنشگر اجتماعی در این فضا شرکت کنند.

«به امید گفت و گوی ملی درباره آب»